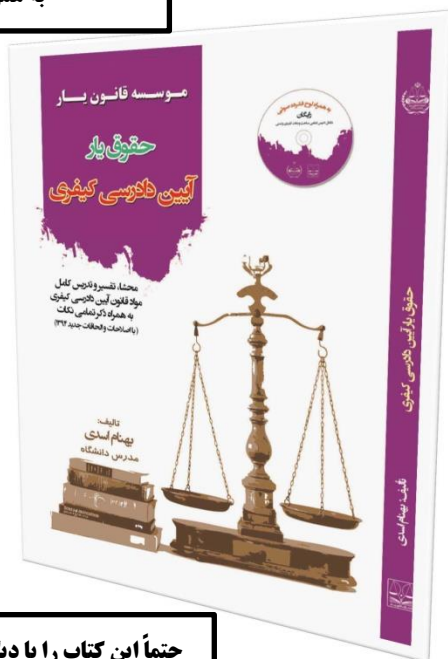


بخش هایی از کتاب فوق العاده حقوق یار کیفری
به همراه جلسه تدریس صوتی



به همراه دی وی دی صوتی

تدریس ماده به ماده

استاد دکتر بهنام اسدی

حتماً این کتاب را با دیگر کتب موجود در بازار مقایسه کنید

جامع ترین و کامل ترین منبع جهت آماده سازی آزمون های حقوقی ((۴۰۰ صفحه در قطع وزیری))

جهت خرید این کتاب به همراه سی دی تدریس کتاب با موسسه قانون یار تماس حاصل فرمایید

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶

داوطلبانی که این منبع را به عنوان منبع اصلی مطالعه خویش قرار داده اند

رتبه های تک رقمی آزمون وکالت را کسب کرده اند

ما این ادعا را ثابت کرده ایم. کلیک کنید خودتان ببینید

انتخاب منبع درست و پربار اولین تصمیمی است که

هر داوطلب باید بگیرد

پشتیبانی آنلاین واتس آپ و ثبت سفارش از طریق واتس آپ ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

کتاب تک جلدی قانون یار آیین دادرسی کیفری

محتشای کامل مواد قانون آیین دادرسی کیفری به همراه ذکر تمامی نکات

جامع ترین و کامل ترین منبع جهت آماده سازی آزمون های

وکالت، قضات، کارشناسی ارشد، دکتری و...

دی وی دی صوتی تدریس رایگان
به همراه کتاب



تألیف:

دکتر بهنام اسدی

(استاد دانشگاه)

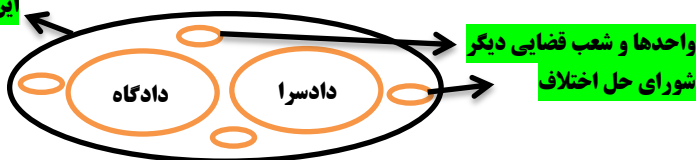
آشنایی با دادسرا و حدود صلاحیت آن

سوال

سوالاتی که ممکن است برای هر شخصی پیش آید این است که منظور از دادگستری چیست؟

به مجموعه‌ی یک حوزه قضایی شهر یا شهرستان، دادگستری گفته می‌شود و به اصطلاح عام به آن دادگاه می‌گویند. پس با این اوصاف دادگاه و دادسرا مجموعه‌ای از دادگستری هستند که باید توجه داشت این نهادها از همدیگر مجزا می‌باشند. به یاد داشته باشید علاوه بر شعب حقوقی و جزایی که در دادگاه موجود هستند شعب دیگری تحت عنوان دادگاه خانواده، دادگاه اطفال، اجرای احکام حقوقی و نیز وجود دارند. معمولاً در شهرهای کم جمعیت در هر دادگاه یک شعبه بیشتر وجود ندارد اما در شهرهای بیش از پنجاه هزار نفر، دادگاه کیفری و جزایی افزایش پیدا می‌کند. همانطور که گفتیم در هر دادگستری یک شعبه خانواده و یک شعبه دادگاه انقلاب وجود دارد. پس با این اوصاف در نهایت می‌توان گفت که دادگستری واژه‌ای عام است که در برگیرنده تمام مراجع قضایی آن شهر و حوزه می‌باشد. جهت ماندگاری این مطلب شکل ذیل را در خاطر داشته باشید.

این دایره بزرگ، دادگستری نام دارد



شناخت دادگاه

پس تا اینجا باید فهمیده باشید دادگاه (کیفری و حقوقی) بخشی از دادگستری است که به موضوعات حقوقی، مدنی و جزایی رسیدگی می‌کند و حکم مقتضی صادر می‌نماید. پرونده‌هایی که با مال و اموال و سروکار دارند در شعب حقوقی رسیدگی می‌شوند. اما اموری که مربوط به جرم باشد مانند کلاهبرداری، سرقت، تصادف و در شعب جزایی دادگاه رسیدگی می‌شوند. دادگاه متشکل از شعبه‌هایی برای رسیدگی است. هر شعبه همانند یک اتاق کار است که شخص قاضی در آنجا نشسته و کار رسیدگی و قضاوت را بر عهده دارد.

شناخت دادسرا

در دادسرا چندین شعبه وجود دارد که عبارتند از شعب دادستانی، بازپرسی، دادرسی، سرپرستی و اجرای احکام کیفری. در دادسرا همانند دادگاه هر چه جمعیت آن حوزه قضایی بیشتر باشد، شعبه‌های بازپرسی و دادرسی افزایش پیدا می‌کند (اما هرگز فراموش نکنید شعبه سرپرستی و دادستانی نمی‌تواند بیشتر از یک شعبه باشد) دقت داشته باشید دادسرا دقیقاً همچون دادگاه است اما در شعبه‌های آن قاضی‌های تازه‌کار وجود دارند که به آن‌ها دادیار گفته می‌شوند.

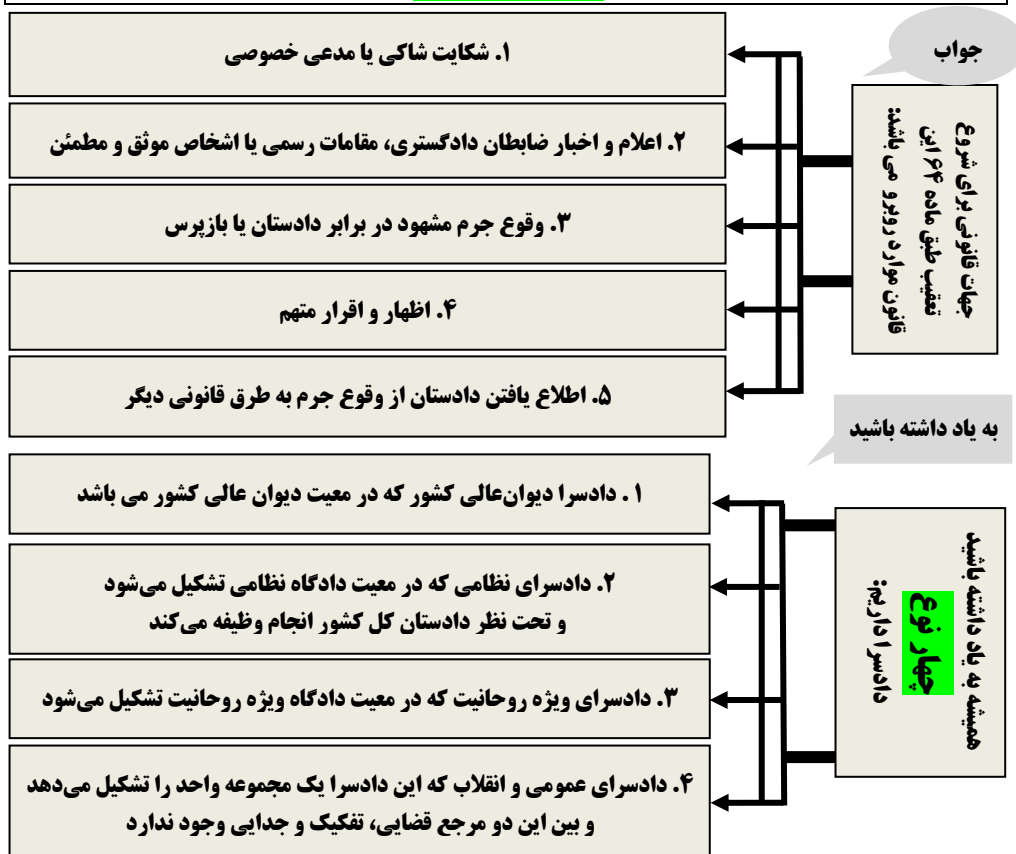
دادیار مثل پلیس یا کارآگاه است که تحقیقات لازم را در خصوص متهم انجام می‌دهد که آیا وی مجرم است یا خیر. پس باید تا اینجا فهمیده باشید که در دادسرا تشخیص داده می‌شود که فرد متهم نهایتاً مجرم است یا نیست. چراکه اگر مشخص شود فرد متهم، جرمی انجام نداده است در دادسرا پرونده مختومه می‌شود و قرار منع تعقیب و موقوفی تعقیب صادر می‌شود. اما اگر متهم مجرم شناخته شود، پرونده جهت صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست به نظر دادستان خواهد رسید و دادستان پس از صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست پرونده را به همان شعبه مربوطه می‌فرستد و شعبه مربوطه به پرونده رسیدگی و به شعبه جزایی ارسال می‌کند و دادگاه کیفری مجازات جرم را تعیین می‌کند. حال که دادگاه و دادسرا را شناختیم به بررسی و تشریح مواد قانونی مرتبط با دادسرا می‌پردازیم.

ماده ۲۲ قانون آئین دادرسی کیفری: به منظور کشف جرم، تعقیب متهم، انجام تحقیقات، حفظ حقوق عمومی و اقامه دعوی لازم در این مورد، اجرای احکام کیفری، انجام امور حسبی و سایر وظایف قانونی، در حوزه قضایی هر شهرستان و در معیت دادگاه‌های آن حوزه، دادرسی عمومی و انقلاب و همچنین در معیت دادگاه‌های نظامی استان دادرسی نظامی تشکیل می‌شود.

این ماده مهم‌ترین وظایف دادرسی را بیان کرده است که از جمله آن‌ها کشف جرم، اجرای احکام کیفری، تعقیب متهم، انجام تحقیقات، حفظ حقوق عمومی، اقامه دعوا و ... می‌باشد. لازم به ذکر است وظیفه دیگر دادرسی انجام امور حسبی که از امور غیرترافعیست می‌باشد که در این رابطه در کتاب صوتی حقوق یار امور حسبی مفصلاً توضیح خواهیم داد.

سوال

چه موقع دادرسی می‌تواند تحقیق را شروع کند؟ (به نمودار زیر دقت کنید)



ماده ۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری به اولین نکته‌ای که اشاره داشته، **کشف جرم** است. به فرض اینکه شخص متهم مرتکب جرمی شده باشد، آن شخص را مورد تعقیب قرار می‌دهیم و بعد مراحل انجام تحقیقات شروع می‌شود. سپس در صورتی که مجرم بودن شخص ثابت شده و کیفرخواست صادر شود، توسط دادگاه کیفری حکم نهایی صادر می‌شود. این حکم در **چهار مورد به موقع به اجرا گذاشته می‌شود** که در صفحه بعد این چهار مورد ذکر شده اند.

۱. حکم صادره از دادگاه، قطعی باشد. یعنی آن حکم قابل اعتراض و تجدیدنظر نباشد

۲. اگر حکم قطعی نباشد، نسبت به آن حکم در موعد مقرر واخواهی یا درخواست پژوهش یا فرجام نشده باشد که در این صورت، حکم به اجرا گذاشته می شود

۳. آن حکم مورد تأیید مرجع پژوهش قرار گرفته باشد

۴. بعد از اینکه حکم مورد پژوهش نقض شد، دوباره صادر شود که در این صورت آن حکم قابل اجرا خواهد بود

جهات قانونی برای شروع به تحقیقات سه مورد است

۱- جرم در حوزه قضایی محل مأموریت بازپرس یا دادیار واقع شود. فرض کنید شما بازپرس یا دادیار هستید. اگر جرم در حوزه قضایی محل مأموریت شما واقع شد، این یک جهت قانونی است که باید تحقیقات را شروع کنید

۲- جرم در حوزه قضایی دیگری واقع شود. مثلاً در استان کرمانشاه واقع شود، اما در حوزه قضایی محل مأموریت شما (شما بازپرس) کشف شده باشد یا متهم در آن حوزه دستگیر شود

۳- جرم در حوزه قضایی دیگری انجام شود اما متهم یا مظنون به ارتکاب جرم در حوزه قضایی محل مأموریت شما (شما بازپرس) مقیم باشد. مثلاً شما بازپرس دادگاه استان تهران هستید و یک جرم در حوزه قضایی استان کرمانشاه واقع می شود، اما این متهم یا مظنون به ارتکاب جرم، در حوزه قضایی محل مأموریت شما مقیم است که شما باید در این رابطه تحقیقات لازم را شروع کنید

✓ این نکته مهم و آزمونی را در خاطر داشته باشید دادسرای نظامی به جرائم ارتكابی از سوی افراد نظامی که در راستای وظایف خاص نظامی مرتکب جرم شوند رسیدگی می کند و به جرائم عمومی آنها و سایر افراد غیر نظامی در دادسرا عمومی و انقلاب رسیدگی می شود. در این رابطه در ذیل مواد آینده به طور کامل توضیح داده خواهد شد.

ماده ۲۳ قانون آئین دادرسی کیفری: دادسرا به ریاست دادستان تشکیل می شود و به تعداد لازم معاون، دادیار و بازپرس و کارمند اداری دارد.

جمع بندی کلی

تا اینجا باید فهمیده باشید، دادسرا یک مرجع قضایی در مجموعه دادگستری می باشد که در معیت دادگاه های عمومی جزائی (کیفری) انجام وظیفه می کند و عهده دار کشف جرم، تعقیب متهم، اقامه دعوی و اعلام جرم از جنبه حق الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی، اجرای حکم و نیز رسیدگی به امور حسبی بر اساس مقررات قانونی است که به ریاست دادستان اداره می شود و به تعداد لازم دارای معاون، دادیار، بازپرس و تشکیلات اداری می باشد. همانطور که گفتیم در جرائمی که جنبه خصوصی دارد، دادسرا با شکایت شاکی خصوصی شروع به تعقیب و تحقق می نماید. مقام دستور دهنده شروع به انجام تحقیق و تعقیب، دادستان است و مقام انجام دهنده تحقیق بازپرس می باشد.

این ماده تشکیلات و مقامات دادسرای عمومی و انقلاب را بیان کرده است. از بین انواع دادسرا که به آن‌ها اشاره کردیم می‌توان ساختار دادسرای عمومی و انقلاب را مورد بررسی قرار دهیم. زیرا قسمت عمده جرائم و تحقیقات مقدماتی در این دادسرا به عمل می‌آید و اصل بر صلاحیت این دادسرا است.

اولین مقام دادسرا، دادستان است

دادستان، ریاست دادسرا را بر عهده دارد. شخص دادستان می‌تواند به تعداد نیاز معاون، دادیار، بازپرس و کارمند اداری داشته باشد. به دادستان قاضی تعقیب، مدعی‌العموم یا نماینده جامعه هم گفته می‌شود.

دومین مقام دادسرا بازپرس است

بعد از دادستان مقام بازپرس در مرتبه دوم وجود دارد که به او قاضی تحقیق هم گفته می‌شود. طبق ماده ۹۲ آیین دادرسی کیفری، بازپرس وظیفه انجام تحقیقات مقدماتی تمامی جرائم ارتكابی را دارد و چون بازپرس برخلاف دادستان، خود یکی از طرفین دعواست پس مقامی بی‌طرف است. همانطور که گفتیم شخص بازپرس تابع اصل سلسله مراتب نیست. یعنی جزء در موارد خاص، ملزم به تبعیت از نظرات و دستورات دادستان نخواهد بود.

سومین مقام دادسرا، دادیار است

دادیار نماینده دادستان است و می‌تواند عهده‌دار وظایف دادستان باشد. چون دادستان به تنهایی نمی‌تواند از عهده وظایفش بر آید می‌تواند برخی از اختیارات خود را فقط به معاون یا دادیار بدهد؛ دادیار گاهی دادیار ارجاع است، گاهی دادیار تحقیق، گاهی دادیار اظهارنظر، گاهی دادیار اجرای حکم و گاهی دادیار ناظر زندان می‌باشد. توجه داشته باشید تمامی قرارهای نهایی که منتهی به بازداشت متهم می‌شود و شخص دادیار قصد صدور آن‌ها را دارد باید به تأیید دادستان برسد. این مطلب، نکته خیلی مهم و کنکوری می‌باشد.

چهارمین مقام دادسرا معاون دادستان است

معاون دادستان زیر نظر دادستان انجام وظیفه می‌کند و از دستورات وی تبعیت می‌کند. طبق ماده ۲۸۵ آیین دادرسی کیفری، معاون دادستان سرپرستی دادسرای ویژه نوجوانان را بر عهده دارد. علاوه بر این مقامات در دادسرا، یکسری از کارمندان اداری در دادسرا حضور دارند که کارهای اداری این مرجع قضایی را انجام می‌دهند. حدود نظارت دادستان بر اعمال و رفتار معاونین، بازپرس و دادیارهای دادسرای قضایی در قانون مشخص شده است.

ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری: در حوزه قضایی بخش، وظایف دادستان بر عهده رئیس حوزه قضایی و در غیاب وی بر عهده دادرس علی‌البدل دادگاه است.

دقت داشته باشید

حوزه قضایی یک واژه عربی است و برابر فارسی آن: قلمرو دادرسی می‌باشد. قلمرو دادرسی به محدوده‌ای گفته می‌شود که یک مرجع قضایی یا دادگاه، صلاحیت عام در رسیدگی به دعاوی در آن را دارد. ممکن است یک قلمرو دادرسی دارای چند شعبه باشد. حوزه قضایی عبارت است از قلمرو یک بخش یا شهرستان که دادگاه در آن واقع است. همانطور که توضیح دادیم و در این ماده خواندیم در حوزه قضایی بخش، دادسرا تشکیل نمی‌شود و رئیس حوزه قضایی یا دادرس علی‌البدل حسب مورد وظایف دادستان را انجام می‌دهد و در جرائمی که در صلاحیت دادگاه کیفری یک است، رئیس دادگاه یا دادرس علی‌البدل حسب مورد تحت نظارت دادستان مربوط، تحقیقات مقدماتی مورد نیاز را انجام می‌دهد.

ماده ۲۵ قانون آئین دادرسی کیفری: به تشخیص رئیس قوه قضائیه، دادسراهای تخصصی از قبیل دادرسی جرائم کارکنان دولت، جرائم امنیتی، جرائم مربوط به امور پزشکی و دارویی، رایانه‌ای، اقتصادی و حقوق شهروندی زیرنظر دادرسی شهرستان تشکیل می‌شود.

در هر حوزه قضایی تنها یک دادسرا وجود دارد که زیر نظر یک دادستان تشکیل می‌شود و نواحی مختلف دادسرا در یک حوزه قضایی، شعب مختلف آن دادسرا محسوب می‌شوند و استفاده از عبارت دادسراها در این راستا اشتباه و غلط است.

ماده ۲۶ قانون آئین دادرسی کیفری: انجام وظایف دادسرا در مورد جرائمی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاهی غیر از دادگاه محل وقوع جرم است، به عهده دادرسی است که در معیت دادگاه صالح انجام وظیفه می‌کند مگر آنکه قانون به نحو دیگری مقرر نماید.

این ماده در خصوص وظایف دادرسی واقع در غیر محل وقوع جرم بحث کرده است که در این صورت دادگاه قرار عدم صلاحیت را صادر می‌کند و پرونده به دادرسی که صلاحیت رسیدگی به پرونده را دارد، ارسال می‌شود مگر این که در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

جمع بندی نهایی

در جمع بندی نهایی این بحث فهمیدیم که در حوزه هر شهرستان، دادسرای عمومی و انقلاب تشکیل می‌شود که ریاست آن بر عهده دادستان است. به این دادستان، دادستان شهرستان یا همان دادستان عمومی یا انقلاب گفته می‌شود. به یاد داشته باشید، ریاست بر دادسرای عمومی و انقلاب، با دادستان شهرستان یا همان دادستان عمومی و انقلاب خواهد بود.

پس مجموعه کل استان از چندین شهرستان تشکیل شده است و همانطور که گفتیم برای خود استان دادستان مستقل نداریم و از آنجا که برای خود استان، دادستان مستقلی نداریم به قطع می‌توان گفت، وظایف دادستان استان به دادستان شهرستان مرکز استان واگذار شده است.

ماده ۲۷ قانون آئین دادرسی کیفری: دادستان شهرستان مرکز استان بر اقدامات دادستان‌ها، مقامات قضایی دادرسی شهرستان‌های آن استان و افرادی که وظایف دادستان را در دادگاه بخش برعهده دارند از حیث این وظایف و نیز حسن اجراء آراء کیفری، نظارت می‌کند و تعلیمات لازم را ارائه می‌نماید.

نکته آزمونی

این نکته مهم آزمونی مرتبط با این ماده را در خاطر داشته باشید که در مراکز استان رئیس کل دادگستری استان بر دادسرا نظارت و ریاست اداری دارد.

حال به قسمت های دیگر این کتاب می رویم

آشنایی با قرارهای تامین و نظارت قضایی

ماده ۲۱۷ قانون آئین دادرسی کیفری: به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی، یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می‌کند:

- الف - التزام به حضور با قول شرف
 - ب - التزام به حضور با تعیین وجه التزام
 - پ - التزام به عدم خروج از حوزه قضائی با قول شرف
 - ت - التزام به عدم خروج از حوزه قضائی با تعیین وجه التزام
 - ث - التزام به معرفی نوبه‌ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضائی یا انتظامی با تعیین وجه التزام
 - ج - التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام، با موافقت متهم و پس از أخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط
 - چ - التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات
 - ح - أخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله
 - خ - أخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول
 - د - بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی
- تبصره ۱- در صورت امتناع متهم از پذیرش قرار تأمین مندرج در بند (الف)، قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام صادر و در صورت امتناع از پذیرش قرارهای مندرج در بندهای (ب)، (پ)، (ت) و (ث) قرار کفالت صادر می‌شود.
- تبصره ۲- در مورد بندهای (پ) و (ت)، خروج از حوزه قضائی با اجازه قاضی ممکن است.
- تبصره ۳- در جرائم غیرعمدی در صورتی که به تشخیص مقام قضائی تضمین حقوق بزه‌دیده به طریق دیگر امکان‌پذیر باشد، صدور قرار کفالت و وثیقه جایز نیست.

سوال

منظور از قرار چیست و قرارها به چند دسته تقسیم می‌شوند؟

جواب

ابتدا قرار را در بعضی از فرهنگ‌های لغت مورد بررسی قرار می‌دهیم، سپس قرار را در معنی اصطلاحی آن، مورد بحث قرار خواهیم داد.

قرار در لغت، به معنی "ثبات و استوار کردن، استحکام دادن، تعیین و تأکید" می‌باشد.

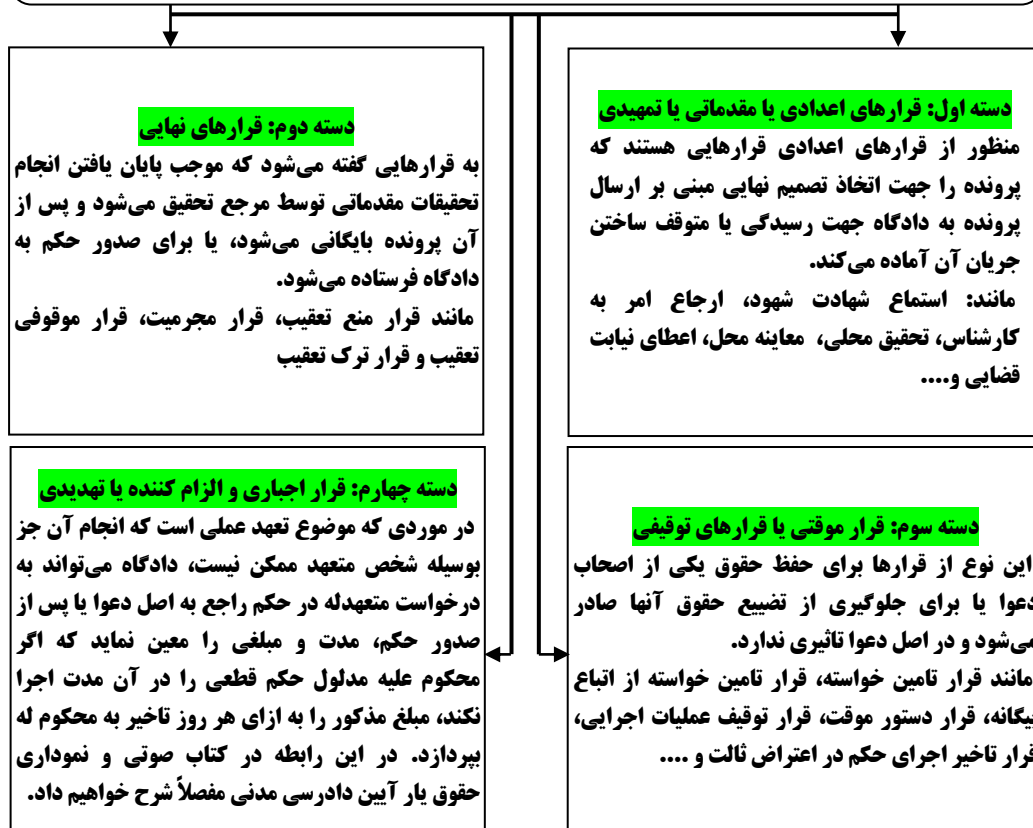
در تعریف حقوقی درخصوص قرار باید گفت، قرار عبارت است از تصمیم قضایی که از سوی مقام قضایی در طول تحقیقات مقدماتی و در مقام انجام دادن تحقیق و در موارد استثنایی در جریان محاکمه و رسیدگی دادگاه، صادر می‌شود.

این تصمیم ممکن است ناظر به متهم، سایر اشخاص، یا درمورد اشیاء و اموال آنان باشد.

در قانون آئین دادرسی کیفری از قرار تعریفی به عمل نیامده است. لذا برای رفع این خلاء قانونی ناگزیر باید به مقررات قانون آئین دادرسی مدنی رجوع کرد. در ماده ۲۹۹ قانون آئین دادرسی مدنی چنین آمده است:

چنانچه رأی دادگاه راجع به ماهیت دعوی و قاطع آن بطور جزئی یا کلی باشد، حکم، و در غیر اینصورت قرار نامیده می‌شود. حال که فهمیدیم منظور از قرار چیست به بررسی انواع قرار می‌پردازیم:

همانطور که در بخش قبلی توضیح دادیم، در آیین دادرسی کیفری قرارها به دو دسته تقسیم می‌شوند اما قرارها در بیان کلی به چهار دسته می‌باشند که ما در این کتاب فقط به تدریس و تشریح قرارهای دسته اول و دوم می‌پردازیم



لازم به ذکر است قرار منع تعقیب و قرار مجرمیت، از جمله قرارهای ماهوی هستند و قرار موقوفی تعقیب و ترک تعقیب از جمله قرارهای شکلی محسوب می‌شوند.

سوال

منظور از قرارهای تأمین کیفری و قرار نظارت قضایی چیست؟

جواب

این قرارها، قرارهایی هستند که مقام قضایی در مراحل تحقیقات مقدماتی و نیز در برخی موارد دیگر در جریان رسیدگی صادر می‌کند. قرار تأمین کیفری یعنی نوعی تصمیم قضایی بازپرس یا دادیار رسیدگی‌کننده به پرونده کیفری که بدون ورود به ماهیت موضوع و تعیین تکلیف نهایی، زمینه را برای جلوگیری از فرار متهم، امکان دسترسی آسان و حفظ حقوق شاکی فراهم می‌کند.
قرارهای تأمین کیفری به تناسب شدت و ضعف موضوع یا میزان اهمیت جرم متنبیه، از التزام به حضور در مرجع قضایی یا قول شرف (خفیف‌ترین قرار) تا قرار بازداشت (شدیدترین قرار) متغیر و متفاوت است.

یعنی اگر بزه منتسبه **از جمله جرائم بسیار مهم نباشد** و احتمال فرار یا اختفای متهم نیز ضعیف باشد، مرجع رسیدگی می‌تواند با صدور قرار التزام به حضور یا قرار كفالت (معرفی كفیل) دستور آزادی متهم را تا پایان رسیدگی قضایی صادر کند، و در غیر این صورت اقدام به صدور قرار وثیقه یا قرار بازداشت موقت می‌کند. به یاد داشته باشید، قرارهای تأمین کیفری و نظارت قضایی به منظور جمع‌آوری دلایل و نیز در اختیار داشتن متهم در فرضی که حضور بعدی متهم و دسترسی به او برای انجام تحقیقات و رسیدگی لازم باشد، صادر می‌شود. پس باید فهمیده باشید، این قرارها برای این گذاشته شده‌اند **تا اگر حضور بعدی متهم الزامی بود، بتوان با استفاده از این قرارها متهم را احضار کرد.**

حال به تعریف قرار نظارت قضایی می‌پردازیم. در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، قانون گذار ضمن رویکردی به مراتب مطلوب تر از قانون قبلی، و در جهت حفظ حقوق متهم و آزادی حداکثری وی در مراحل تحقیقات مقدماتی، تاسیس جدیدی را با عنوان **((قرار نظارت قضایی))** در ماده ۲۴۷ همین قانون، عنوان نموده است. قرارهای نظارت قضایی، جز در برخی مصادیق آن، در قوانین کشورمان دیده نشده است و **به نظر می‌رسد** قوانین کیفری فرانسه در این زمینه مرجع قانونگذار بوده است. قرارهای نظارت قضایی، همچون قرارهای تأمین کیفری، آزادی‌های متهم را محدود می‌نماید، ولی محدودیت ناشی از صدور قرارهای نظارت قضایی خفیف تر و شامل برخی محدودیت‌های شغلی، محرومیت استفاده از تسهیلات اجتماعی، محدودیت تردد و غیره می‌باشد. درخصوص قرارهای نظارت قضایی در مواد آینده بیشتر توضیح خواهیم داد.

توجه داشته باشید در این ماده، قانون‌گذار انواع قرارهای تأمین کیفری را به ده قرار افزایش داده است و با این راهکار، مرجع قضایی صالح در صدور قرار تأمین کیفری و نظارت قضایی، اختیار بیشتری پیدا کرده است.

بررسی چند سوال مهم در راستای جمع‌بندی بحث

سوال اول

قرارهای تأمین کیفری به چه منظوری صادر می‌شوند؟

جواب

در جواب به این سوال باید گفت این قرارها به **سه منظور** صادر می‌گردند که این سه منظور عبارتند از:

۱. به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی

۲. به منظور جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم

۳. به منظور تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی

سوال دوم

شاید بپرسید شخص بازپرس چه زمانی قرار تأمین را صادر می‌کند؟

جواب

بازپرس پس از تفهیم اتهام و در صورت وجود دلایل کافی دلالت بر توجه اتهام به متهم، قرار تأمین را صادر می‌کند.

دقت داشته باشید صدور قرار تأمین در این فرض الزامی است و اگر اتهام متوجه متهم باشد، مقام قضایی مکلف به صدور قرار تأمین خواهد بود.

به یاد داشته باشید، ضابطان دادگستری اختیار اخذ تأمین از متهم را ندارند و مقامات قضایی نیز نمی‌توانند اختیار اخذ تأمین را به آن‌ها محول کنند و در هر صورت هرگاه اخذ تأمین از متهم ضرورت داشته باشد، تنها توسط مقام قضایی طبق مقررات این قانون انجام پذیر است.

سوال سوم

منظور از قرار تأمین خواسته چیست و این قرار جز کدام دسته از قرارهای اعدادی یا نهایی می باشد؟

جواب

همیشه به یاد داشته باشید قرار تأمین خواسته یکی از قرارهای اعدادی محسوب می شود .
به منظور حفظ حقوق شاکی، بازپرس و دادرسان و قضات دادگاهها در صورتی که دلایل اتهام و نیز دلایل ایراد خسارت به شاکی را کافی بدانند، موظف هستند قرار تأمین خواسته را صادر نمایند.
باید توجه داشت این قرار به منظور جلوگیری از ورود خسارت جبران ناپذیر به متقاضی آن صادر می شود.
پس همان طور که بیان کردیم اگر این تقاضا مبنی بر ادله ای قابل قبول باشد، مقام قضایی، قرار تأمین خواسته را صادر می کند و همانطور که می دانید با صدور قرار تأمین خواسته اموال معرفی شده متهم، توقیف می شود (یعنی تا اطلاع ثانوی از فروش یا نقل و انتقال آن اموال ممانعت به عمل می آید)
اگر خواسته شاکی عین معین نباشد یا عین معین باشد (مثلاً یک خودروی پژو ۲۰۶ باشد) اما توقیف آن خودرو ۲۰۶ ممکن نباشد، بازپرس معادل مبلغ ضرر و زیان شاکی را از سایر اموال و دارایی های متهم توقیف می کند (مثلاً خودروی دیگر وی را، یا خانه او را توقیف می کند)

توجه داشته باشید تمامی این امور برای جبران ضرر و زبانی است که به شخص بزه دیده وارد شده است.
این نکته را هم در خاطر داشته باشید که قرار تأمین خواسته به محض ابلاغ اجرا می شود و در مواردی که ابلاغ فوری ممکن نباشد و تأخیر در اجرای آن، موجب تضییع خواسته شود، ابتدا قرار تأمین اجرا و سپس ابلاغ می شود.

نهایتاً به یاد داشته باشید در هر حال و در هر صورت چه بعد و چه قبل از اجرا، ابلاغ این قرار لازم و ضروری است

به یاد داشته باشید برای اجرای قرار تأمین خواسته قبل از ابلاغ دو شرط ذیل لازم و ضروریست:

شرط اول:

ابلاغ فوری ممکن نباشد.

شرط دوم:

تأخیر در اجراء موجب تضییع خواسته شود

نکته کنکوری

رفع ابهام و اجمال از قرار تأمین خواسته به عهده بازپرس یا مقام صادرکننده قرار است و رفع اشکالات ناشی از اجرای قرار تأمین خواسته توسط دادستان یا قاضی اجرای احکام به عمل می آید.
باید توجه داشت این نکته یکی از نکات خیلی مهم و کلیدی آزمون وکالت می باشد.

دقت کنید

قرارهای نهایی دادیار و قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم، باید به نظر دادستان برسد و دادستان آن قرار را تأیید کند، اما قرار تأمین خواسته صادره از سوی دادیار و بازپرس نیازمند تأیید دادستان نیست.

توجه داشته باشید

قرار تأمین خواسته و قرار تأمین کیفری هردو در زیرمجموعه قرارهای اعدادی جای دارند، اما ماهیت این دو قرار با هم دیگر فرق دارد. چرا که قرار تأمین خواسته، خواسته را که یک مال است تأمین می کند و از فروش آن مال

جلوگیری می‌شود تا دسترسی به آن مال تأمین شود و خیال شخص بزه‌دیده آسوده شود که آن مال از تضییع و تفریط در امان است؛ اما قرار تأمین کیفری، کیفر را تأمین می‌کند تا دسترسی به مجرم برای مجازات شدن، تأمین و حفظ شود. پس با این اوصاف باید فهمیده باشید قرار تأمین کیفری قرار است که کیفر و مجازات را تأمین و حفظ می‌کند تا دسترسی به مجرم برای مجازات شدن حفظ شود و خیال شخص بزه‌دیده راحت شود که در صورت اثبات شکایتش و مجرم شناخته شدن متهم، شخص مجرم مجازات می‌شود.

همانطور که گفتیم صدور قرار تأمین یکی از مهم‌ترین ملزومات در رسیدگی‌های قضایی است که به منظور دسترسی به متهم و حضور بموقع وی در محاکمه، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیانش صادر می‌شود. بازپرس پس از تفهیم اتهام و تحقیق لازم، در صورت وجود دلایل کافی یکی از قرارهای تأمین ذیل را صادر می‌کند. تعداد قرارهای تأمین کیفری که قاضی مکلف است پس از تفهیم اتهام به متهم، یکی از آن‌ها را صادر کند طبق این ماده ده مورد است که ما به بیانی ساده و روان به تشریح و تعریف کلی مهمترین این قرارها می‌پردازیم:

التزام به حضور یا قول شرف

این قرار سبک‌ترین قرار تأمین کیفری است و به ندرت صادر می‌شود، پس صدور این قرار غیرممکن نیست اما خیلی کم از آن استفاده می‌شود. چرا؟ چون التزام به حضور یا قول شرف، فاقد ضمانت اجرا است و به موجب این قرار، متهم فقط قول می‌دهد و متعهد می‌شود هر زمان که مقام قضایی حضور وی را لازم بداند، نزد مقام قضایی حاضر شود و ضمانت انجام این تعهد همان قول شرفی می‌باشد که متهم داده است. پس به قطع می‌توان گفت قانونگذار ضمانت اجرای خاصی برای عدم رعایت تعهد از سوی متهم در نظر نگرفته است. البته با توجه به ماهیت این قرار شاید نیازی هم بر ضمانت اجرا در مورد این قرار نباشد؛ زیرا متهم آبرو و حیثیت خود را در گرو مقام قضایی می‌نهد تا در موقع احضار، حضور یابد و اگر حضور نیابد این امر می‌تواند عهده‌شکنی بشمار رفته و نشان دهنده آن باشد که وی، شخص متعهد و مسئولی نیست، در نتیجه نوعی ضمانت اجرای معنوی دارد. این فرد اگرچه از نظر اخلاقی مستحق نکوهش است، اما از نظر قضایی اثری بر این عدم رعایت تعهد، مترتب نیست و احتمالاً همین امر از موجبات توسل هرچه کمتر قضات تحقیق به این قرار محسوب می‌شود. پس به یاد داشته باشید، این قرار خفیف‌ترین و در عین حال کم‌استفاده‌ترین نوع قرار تأمین کیفری است و در صورت امتناع متهم از پذیرش این قرار، قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام صادر می‌شود.

التزام به حضور با تعیین وجه التزام

در این نوع تأمین که شدیدتر از نوع تأمین قبلی است، قاضی تحقیق قول شرف متهم را کافی نمی‌داند و قرار را صادر می‌کند که التزام با تعیین مبلغی به عنوان وجه التزام در آن آمده است. در این قرار هنگام تعهد هیچ تضمینی از متهم گرفته نمی‌شود و فقط و فقط پس از نقض تعهد و عدم حضور متهم، دادستان نسبت به اخذ مبلغ مذکور اقدام می‌کند. پس در این قرار، تعهد به پرداخت وجه در صورت عدم حضور الزامی و اجرا می‌شود. به عبارت دیگر در این قرار مبلغی پرداخت نمی‌شود بلکه فقط تعهد به پرداخت وجود دارد. توجه داشته باشید که اگر متهم حاضر به قبول این قرار و تعهد نباشد طبق تبصره «۱» ماده «۲۱۷» این قانون، قرار تعهد به حضور با تعیین وجه التزام، به قرار کفالت تبدیل می‌شود.

قرار التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام

طبق این قرار متهم متعهد می شود که از حوزه قضایی خارج نشود و در صورت نیاز در مرجع قضایی حاضر شود و تضمین اجرای این تعهد، وجه التزامی می باشد که معین شده است. پس در صورت تخلف و خروج متهم از حوزه قضایی، دادستان دستور اخذ وجه التزام را صادر می کند. توجه داشته باشید نکاتی که در مورد قرار دوم توضیح دادیم در این قرار نیز جاری است. لذا از تکرار مطالب اجتناب می شود.

باید توجه داشت، منظور از حوزه قضایی که در این بند و بند بعدی آمده است، حوزه قضایی دادرسی رسیدگی کننده به پرونده است نه حوزه قضایی کشور.

سوال

آیا قابلیت تجميع قرارهای مندرج در ماده ۲۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری با یکدیگر وجود دارد؟
یعنی آیا می توان دو قرار را در رابطه با یک شخص صادر کرد یا خیر؟

جواب

در جواب به این سؤال باید گفت که قرارهای مندرج در ماده «۲۱۷» قانون آیین دادرسی کیفری، قابلیت تجميع با یکدیگر را ندارند. یعنی نمی توان مثلاً برای نمونه قرار وثیقه و وجه التزام را با همدیگر و هم زمان صادر کرد. اما از آنجا که قرار ممنوع الخروج شدن متهم از کشور، یک قرار تکمیلی می باشد، با سایر قرارهای تأمین، جمع شدنی است. دقت داشته باشید، این امر یکی از ویژگی های منحصر به فرد و خاص قرار عدم خروج از کشور است.

التزام به معرفی نوبه ای خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام

به موجب این قرار، متهم متعهد می شود که به صورت مرتب و نوبه ای (یستگی به تشخیص آن مقام قضایی دارد مثلاً هفتگی باشد یا ماهانه) خود را به مرجع قضایی یا انتظامی معرفی کند و در صورت عدم انجام تعهد، ضمانت اجرا به مرحله اجرا درمی آید و وجه التزام قید شده و تعیین شده در پرونده از شخص متهم اخذ می شود. قرار بعدی در این رابطه که در بند ج ماده ۲۱۷ این قانون آمده است، قرار التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح به حضور با تعیین وجه التزام با موافقت متهم و پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط است.

به موجب این قرار متهم متعهد می شود هر زمان که مقام قضایی حضور وی را لازم بداند، حاضر شود. با این اوصاف باید به قاطعیت گفت که در صورت عدم حضور بدون عذر موجه، وی ملزم به پرداخت وجه التزام است و برای این امر، موافقت خود را با برداشت مبلغ وجه التزام از محل حقوق خودش اعلام می کند. توجه داشته باشید نکات مذکور در مورد قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام، در این مورد نیز جاری است. در این قرار که در بند «ج» این ماده آمده است التزام به پرداخت وجه التزام، هم برعهده متهم و هم برعهده سازمان محل اشتغال او است.

پس توجه داشته باشید، دادستان باید در صورت عدم حضور متهم در وقت مقرر، وجه التزام را در وهله نخست از متهم مطالبه کند و اگر موفق به اخذ تمام وجه التزام از متهم نشد، مبلغ مورد نظر را از سازمان متعهد مطالبه کند. توجه داشته باشید تعهد این سازمان به پرداخت وجه التزام نیز محدود به حقوق متهم است و اگر حقوق متهم برای پرداخت وجه التزام کافی نباشد مبلغ مذکور توسط سازمان مذکور تقسیط و قسط بندی می شود.

قرار التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات

طبق این قرار متهم متعهد می‌شود که از منزل یا محل اقامت تعیین شده، خارج نشود و در صورت تخلف، باید وجه التزام مشخص شده را بپردازد.

توجه داشته باشید که در این قرار در زمان صدور قرار هیچ مبلغی پرداخت نمی‌شود، بلکه صرفاً تعهد به پرداخت وجود دارد. همانطور که دیدیم این قضیه در مورد تمام قرارهای قبلی که در رابطه با پرداخت وجه التزام بود صادق می‌باشد.

پس به یاد داشته باشید و هرگز فراموش نکنید در تمامی قرارهای که بیان کردیم در ابتدای امر، تعهد به پرداخت وجود دارد و متعهد به پرداخت، در صورت تخلف از تعهد خویش، موظف به پرداخت وجه التزام می‌باشد.

قرار اخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله

بررسی و آشنایی با مقررات قانونی مربوط به این نوع قرار که یکی از متداول‌ترین قرارها در نظام قضایی ما می‌باشد، برای متهم و فردی که از متهم کفالت می‌نماید، حائز اهمیت است. در ابتدا باید دانست که مستند قانونی مربوط به قرار کفالت، بند سوم ماده ۱۳۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری می‌باشد.

در این قرار شخصی که صلاحیت قانونی وی برای مقام قضایی احراز شده است، در مقابل مقام قضایی تعهد می‌نماید فرد متهم را در مواقع لزوم نزد مرجع قضایی حاضر نماید و در غیر این صورت مبلغی که به عنوان وجه الکفاله تعیین شده است از فرد تعهدکننده اخذ گردد.

در اصطلاح حقوقی به فردی که چنین تعهدی را عهده دار می‌شود «کفیل» می‌گویند. در همین جا باید یادآوری نماییم که قرار کفالت در مقایسه با دو قرار التزام به حضور با قول شرف و التزام به حضور با وجه التزام در مرتبه سنگین‌تر و شدیدتری می‌باشد.

به موجب ماده «۷۳۴» قانون مدنی کفالت عقدی است که به موجب آن احدطرفین درمقابل طرف دیگر احضار شخص ثالثی را تعهد می‌کند.

توجه داشته باشید در امور کیفری کفالت شخصی پذیرفته می‌شود که ملأئت او به تشخیص بازپرس برای پرداخت وجه الکفاله محل تردید نباشد و اگر بازپرس ملأئت کفیل را احراز نکند، باید فوری مراتب را به نظر دادستان برساند. در این رابطه باید توجه داشت استمرار ملأئت شرط نیست.

این نکته مهم و کلیدی را در خاطر داشته باشید و فراموش نکنید بین قرار اخذ کفیل با قرار قبولی کفالت قائل به تفکیک شوید. چرا که قرار کفالت خود مستلزم صدور دو قرار جداگانه است:

یکی صدور قرار اخذ کفیل و دیگری قرار قبولی کفالت؛ با صدور قرار اول مرجع قضایی از متهم می‌خواهد که ضمن تعهد به حضور در مرجع مذکور، شخصی به عنوان کفیل معرفی کند. شخص کفیل اولاً متعهد می‌شود که شخص مکفول را (یعنی شخصی مورد ضمانت را) در مواقعی که لازم باشد، ظرف مدت یک ماه در آن مرجع حاضر کند. ثانیاً شخص کفیل متعهد می‌شود که اگر موفق به حاضر کردن شخص مکفول نشود، مبلغی را به عنوان وجه الکفاله به صندوق دادگستری (دولت) بپردازد.

این نکته مهم را در خاطر داشته باشید، قرار کفالت باید فوری به متهم ابلاغ و تصویر آن به وی تحویل داده شود و در صورتی که این قرار منتهی به بازداشت شود مفاد قرار در بر که اعزام درج گردد.

قرار اخذ وثیقه

وثیقه یا قرار وثیقه مبلغ مالی یا دارایی است که در ازای شرطی **نزد طرف قرارداد یا دادگاه** می‌گذارند.

معنای لغوی وثیقه «استوار»، «آنچه بدان اعتماد شود» و «محکم کاری» است.

به عبارت دیگر آزادی فرد بازداشتی با تأمین قرار وثیقه به این معناست که متهم تا زمان تشکیل دادگاه در خارج از زندان خواهد بود، اما در زمان تشکیل دادگاه باید پاسخگوی اتهامات وارده باشد و در صورت مجرم شناخته شدن و محکومیت به زندان، دوباره به زندان برگردد.

معمولاً برای آزادسازی مشروط فرد زندانی مبلغی متناسب با میزان جرم و اهمیت پرونده وی صادر می‌شود که این مبلغ و محدودیت‌های آزادی فرد را، **قاضی پرونده مشخص می‌کند.**

برای صدور قرار وثیقه باید دو قرار جداگانه شامل قرار **«اخذ وثیقه»** و قرار **«قبولی»** صادر شود.

به یاد داشته باشید قرار اخذ وثیقه، یک عمل قضایی است که از سوی مقام تحقیق برای دسترسی به متهم در مواقع لزوم و به‌طور یک‌طرفه صادر و اعلام می‌شود و اراده متهم در تحقق آن اثری ندارد.

به یاد داشته باشید در این قرار، تشخیص میزان و مبلغ وثیقه با **مقام تحقیق** است، اما نباید از میزان خسارات مورد مطالبه مدعی خصوصی، **کمتر** باشد.

نکته مهم و آزمونی

ماده «۱۸» قانون صدور چک بیان داشته، در جرم صدور چک پرداخت نشدنی، قرار تأمینی که از سوی مرجع تعقیب صادر می‌شود، **قرار وثیقه یا کفالت** است.

پس اگر در صدور یک چک بلامحل، سه نفر صاحب حساب باشند (حساب مشترک) و مبلغ چک ۶۰۰ میلیون تومان باشد و هر سه نفر این چک را امضاء کرده باشند، قرار تأمینی که علیه هر یک از آن‌ها می‌توان صادر کرد، **قرار کفالت** یا **قرار وثیقه** می‌باشد و مقام قضایی در صدور هر یک از این دو قرار مختار خواهد بود.

در مورد قرار اخذ وثیقه چند نوع وثیقه داریم که انواع وثیقه به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۴. مال غیر منقول

۳. مال منقول

۲. ضمانت‌نامه بانکی

۱. وجه نقد

همانطور که گفتیم و به علت اهمیت موضوع باز هم تکرار می‌کنیم، در این مورد دو قرار صادر می‌شود:

۲. **قرار قبولی وثیقه:** بعد از وصول پاسخ اداری ثبت مبنی بر توقیف ملک یا ارائه رسید پرداخت وجه نقد از سوی وثیقه‌گذار، مقام قضایی **قرار قبولی وثیقه را** صادر می‌کند.

۱. **قرار اخذ وثیقه:** شخص وثیقه‌گذار یا مبلغی را در صندوق دادگستری به حساب می‌ریزد یا سند محل مسکونی خود را به قاضی معرفی می‌کند که دستور توقیف سند را به اداره ثبت مربوط صادر کند.

نکته آزمونی اول

قرار وثیقه شبیه به قرار كفالت می باشد؛ با این تفاوت که در قرار وثیقه، وثیقه‌گذار با گرو گذاشتن مالی در صندوق دادگستری متعهد می‌شود، متهم را در مواقع لزوم نزد حاکم حاضر کند، در غیر این صورت وثیقه مزبور ضبط می‌شود. در این رابطه شخص ثالث نیز می‌تواند وثیقه‌گذار باشد و الزامی ندارد وثیقه از اموال متهم باشد.

نکته آزمونی دوم

بازپرس با رعایت ماده «۲۱۹» فقط مبلغ قرار را **(یعنی ارزش ریالی مال مورد وثیقه)** تعیین می‌کند، نه نوع وثیقه را. پس انتخاب نوع وثیقه با وثیقه‌گذار می‌باشد و خود وثیقه‌گذار است که تصمیم می‌گیرد وجه نقد، ضمانت‌نامه بانکی، مال منقول و یا مال غیر منقول را به عنوان وثیقه بگذارد. این حق انتخاب تا پایان اعتبار قرار باقی است و وثیقه‌گذار می‌تواند در صورت نیاز به مال خود، مال دیگری را که ارزش آن مال کمتر از مبلغ تعیین شده در قرار نباشد، به جای آن مال معرفی کند و خواهان تعویض وثیقه شود.

به یاد داشته باشید در برخی قرارها، در صورت امتناع متهم از پذیرش آن‌ها، قرار كفالت صادر می‌شود چهار نوع قرار که در صورت امتناع متهم از پذیرش آن‌ها، قرار كفالت صادر می‌شود عبارتند از:

۳.التزام به عدم خروج از حوزه قضایی
با تعیین وجه التزام

۱.التزام به حضور با تعیین وجه التزام

۴.التزام معرفی نوبه‌ای خود بطور هفتگی یا ماهانه
به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام

۲.التزام به عدم خروج از حوزه قضایی
با قول شرف

قرار بازداشت موقت

قرار بازداشت موقت، شدیدترین نوع از انواع قرارهای تأمین است که به علت شدید بودن نوع اتهام یا ولگرد بودن متهم و یا احتمال فرار وی و یا بیم تبانی با شهود یا تهدید مطلعین و یا بیم امحاء آثار جرم توسط متهم، صادر می‌شود. بازداشت موقت متهم که از آن در حقوق کیفری ایران به **توقیف احتیاطی** نیز تعبیر شده عبارت است از **سلب آزادی از متهم و زندانی کردن او در طول تمام یا قسمتی از تحقیقات مقدماتی توسط مقام صالح قضایی.**

این قرار از یک طرف مورد انتقاد وسیع حقوقدانان و مدافعان حقوق بشر قرار گرفته و از طرف دیگر برخی حقوقدانان و مدافعین اجتماعی با ذکر محاسن آن بر ابقای آن به عنوان یکی از تضمینات سیاست کیفری در سرکوب پدیده مجرمانه تاکید کرده‌اند. در رابطه با این قرار در ذیل ماده ۲۳۷ این قانون به طور دقیق و کامل توضیح داده ایم.

نکته اول تبصره های این ماده مهم

در تبصره یک این ماده ضمانت اجرای امتناع متهم از پذیرش قرارهای مذکور در بندهای «الف» تا «ث» تعیین شده است و بیان داشتیم ضمانت اجرای آن‌ها، **صدور قرار كفالت است.** اما در مورد ضمانت اجرای عدم پذیرش قرارهای مندرج در بندهای «ج» و «چ» متأسفانه حکمی وجود ندارد.

نکته دوم تبصره های این ماده مهم

در تبصره دوم این ماده بیان شده که بندهای «پ» و «ت» این ماده خروج از حوزه قضایی را با اجازه قاضی ممکن دانسته است. پس یعنی به یاد داشته باشید در دو قرار ذیل، خروج از حوزه قضایی با اجازه قاضی ممکن است: یکی التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف و دیگری التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام

نکته سوم تبصره های این ماده مهم

در مورد تبصره سوم این ماده باید گفت در جرائم غیر عمدی در صورتی که به تشخیص مقام قضایی تضمین حقوق بزه دیده به طریق دیگری امکان پذیر باشد، صدور قرار کفالت و قرار وثیقه و بازداشت موقت، جایز نیست. پس به یاد داشته باشید، تبصره سوم این ماده، با یک شرط صدور قرارهای کفالت، وثیقه و بازداشت موقت را در جرائم غیر عمدی ممنوع ساخته و آن شرط این است که، تضمین حقوق بزه دیده به طریق دیگر امکان پذیر باشد. هدف از این شرط حصول اطمینان از این قضیه است که در صورت عدم صدور این قرارها که جنبه مالی دارند جبران خسارت بزه دیده از طریق دیگری ممکن است و شخص بزه دیده هم این را می خواهد و دیگر نیازی به صدور قرارى همچون قرار وثیقه و بازداشت موقت نیست.

سوال

آیا اگر متهم شخص حقوقی باشد، صدور قرارهای مندرج در این ماده ممکن است؟
در صورت منفی بودن پاسخ چه قرارى در رابطه با اشخاص حقوقی صادر می شود؟

جواب

در مواردی که متهم شخص حقوقی باشد، قرار تأمین کیفری در مورد وی، قرارهای مندرج در این ماده نیست، بلکه یکی از قرارهای مذکور در ماده «۶۹۰» قانون آیین دادرسی کیفری می باشد و باید طبق حکم ماده ۶۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری عمل کرد. اما به هر حال همانطور که اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه شماره ۷/۹۲/۲۱۲۹ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۸ اعلام کرده است، امکان صدور قرار تأمین خواسته از اموال شخص حقوقی به تقاضای مدعی خصوصی وجود دارد.

ماده ۲۱۸ قانون آیین دادرسی کیفری: برای اتهامات متعدد متهم، قرار تأمین واحد صادر می شود، مگر آنکه رسیدگی به جرائم ارتكابی در صلاحیت ذاتی دادگاه های مختلف باشد که در این صورت برای اتهامات موضوع صلاحیت هر دادگاه، قرار تأمین متناسب و مستقل صادر می شود.

توجه داشته باشید

فرض این ماده بیانگر این مطلب است که اگر یک شخص، متهم به انجام چند جرم مختلف باشد، باید برای اتهامات متعدد وی، طبق ماده «۲۱۷» قانون آیین دادرسی کیفری یک قرار مناسب (خیلی دقت کنید) صادر شود. پس در مورد جرائم متعدد صدور تعدد تأمین برای متهم وجاهت قانونی ندارد و همان طور که در مواد قبل بیان کردیم نمی توانیم برای یک متهم چند قرار تأمین صادر نمود مگر این که شخص متهمی که چند جرم را مرتکب شده، رسیدگی به آن جرائم در صلاحیت ذاتی دادگاه های مختلف باشد. در این صورت برای هر اتهام که در صلاحیت دادگاه خاص خود اوست، یک قرار تأمین مناسب، مستقل و جداگانه صادر می شود.

مثال

فرض کنید علی متهم به انجام یک جرم شده که رسیدگی به آن جرم در صلاحیت دادگاه کیفری مثلاً «۱» یا «۲» است و جرم دیگری نیز انجام داده که رسیدگی به آن جرم مثلاً در صلاحیت دادگاه انقلاب است.

در این فرض برای هر اتهام علی‌آقا در هر کدام از دادگاه‌های مذکور می‌توان یک قرار تأمین مناسب و مستقل صادر نمود و این دو هیچ ربطی به همدیگر ندارند.

خیلی دقت کنید

در این رابطه **صلاحیت ذاتی** تمام بحث ماست. مثلاً دادگاه‌های کیفری «۱» و «۲» نسبت به همدیگر دارای صلاحیت ذاتی مختلف نیستند، اما مثلاً دادگاه اطفال و نوجوانان، دادگاه انقلاب، دادگاه نظامی، دادگاه ویژه روحانیت از نظر صلاحیت ذاتی با یکدیگر اختلاف دارند و در حکم قسمت اخیر این ماده قرار می‌گیرند. پس در بیان کلی اگر شخصی، متهم به انجام چند جرم باشد که رسیدگی به تمام آن جرائم در صلاحیت ذاتی یک دادگاه بود، باید صرفاً یک قرار تأمین صادر شود اما اگر جرائم ارتكابی این شخص در صلاحیت ذاتی چند دادگاه مختلف بود (مثلاً آن شخص مرتکب چند جرم شده بود که رسیدگی به یکی از آن جرائم در صلاحیت دادگاه انقلاب بود و رسیدگی به جرم دیگر وی در صلاحیت دادگاه نظامی بود) در این فرض برای هر جرم وی در دادگاه صالح رسیدگی‌کننده، می‌توان یک قرار تأمین جداگانه و مستقل صادر نمود.

مثال

جمشید متهم به ارتکاب جرم سرقت است و در کنار جرم سرقت نیز جرم قاچاق مواد مخدر مرتکب گردیده است. همان‌طور که می‌دانید رسیدگی به جرم سرقت در صلاحیت ذاتی دادگاه کیفری عمومی می‌باشد و رسیدگی به جرم قاچاق مواد مخدر در صلاحیت ذاتی دادگاه انقلاب است که در مورد هر کدام از جرائم ارتكابی از سوی مراجع صالح به رسیدگی می‌توان یک قرار تأمین مناسب صادر نمود.

ماده ۲۱۹ قانون آئین دادرسی کیفری: مبلغ وجه التزام، وجه‌الکفاله و وثیقه نباید در هر حال از خسارت وارد به بزه‌دیده کمتر باشد. در مواردی که دیه یا خسارت زیان‌دیده از طریق بیمه قابل جبران است، بازپرس با لحاظ مبلغ قابل پرداخت از سوی بیمه قرار تأمین متناسب صادر می‌کند.

این ماده در مورد لزوم متناسب بودن میزان وجه‌الکفاله و وثیقه بحث کرده است. قانون‌گذار معیار تعیین میزان وجه‌التزام، وجه‌الکفاله و وثیقه را متناسب با خسارت وارد بزه‌دیده دانسته و بیان داشته که **مبلغ وجه‌التزام با وجه‌الکفاله و وثیقه نباید کمتر از خسارت وارده به بزه‌دیده باشد.** بهتر است این مبلغ، بیشتر از میزان خسارت وارده باشد تا به اندازه کافی بازدارنده بوده و برای متهم انگیزه حضور نزد مرجع قضایی ایجاد شود.

ماده ۲۲۰ قانون آئین دادرسی کیفری: در صورتی که متهم بخواهد به جای معرفی کفیل، وثیقه بسپارد، بازپرس مکلف به قبول آن و تبدیل قرار است. در این صورت متهم می‌تواند در هر زمان با معرفی کفیل، آزادی وثیقه را تقاضا کند.

این ماده در خصوص تبدیل قرار کفالت به قرار وثیقه از سوی متهم بحث کرده است. در صورت تقاضای متهم مبنی بر تبدیل قرار کفالت به قرار وثیقه (به دلایلی مثل نداشتن کفیل یا دسترسی نداشتن به کفیل و این‌گونه موارد) بازپرس مکلف به قبول این درخواست است و موظف است این درخواست را قبول کند. همان‌طور که می‌دانید قرار وثیقه قراری اشدتر از قرار کفالت می‌باشد و بازپرس مکلف است این درخواست تقریباً احمقانه متهم را بپذیرد اما متهم می‌تواند در هر زمان با معرفی کفیل، آزادی وثیقه را تقاضا نماید.

نکته آزمونی

در حالت عادی، تبدیل قرار کفالت به قرار وثیقه نوعی تشدید قرار محسوب می‌شود و نیازمند موافقت دادستان است. اما در فرض این ماده که خود متهم، متقاضی تبدیل قرار شده چنین الزامی وجود ندارند و نیازی به موافقت دادستان یا موافقت شخص خاص دیگری نیست.

ماده ۲۲۱ قانون آئین دادرسی کیفری: کفالت شخصی پذیرفته می شود که ملائت او به تشخیص بازپرس برای پرداخت وجه الكفاله محل تردید نباشد. چنانچه بازپرس ملائت کفیل را احراز نکند، مراتب را فوری به نظر دادستان می رسانی. دادستان موظف است در همان روز، رسیدگی و در این باره اظهار نظر کند. تشخیص دادستان برای بازپرس الزامی است. در صورت تأیید نظر بازپرس توسط دادستان مراتب در پرونده درج می شود. تبصره- پذیرش کفالت اشخاص حقوقی با رعایت مقررات این ماده بلامانع است.

همانطور که گفتیم

منظور از ملائت کفیل، تمکن مالی او برای پرداخت وجه الكفاله است و در این مورد هم اصل بر عدم ملائت می باشد مگر این که به وسیله دلایلی خلاف آن احراز شود. تشخیص وجود ملائت با بازپرس است اما شخص بازپرس در این تشخیص آزادی مطلق ندارد و برای جلوگیری از عدم پذیرش غیر موجه کفیل اگر شخص بازپرس نظر به عدم ملائت داشته باشد، نظر او باید به تأیید دادستان هم برسد. اما در هر حال این مورد از موارد امکان اختلاف بین بازپرس و دادستان نیست بلکه در این رابطه نظر دادستان بر بازپرس تحمیل می شود و نظر دادستان ارجحیت دارد. اما به هر حال اگر بازپرس خودش ملائت کفیل را احراز کند، این امر نیازمند موافقت دادستان نیست.

نکته آزمونی و مهم

در صورتی که بازپرس ملائت کفیل را احراز نکند، باید مراتب را فوری به نظر دادستان برساند و دادستان موظف است در همان روز رسیدگی کرده و در این باره اظهار نظر کند. تشخیص دادستان برای بازپرس در این باره الزامی است و نهایتاً نظر دادستان در این مورد، در پرونده درج شده و طبق نظر دادستان عمل می شود.

ماده ۲۲۲ قانون آئین دادرسی کیفری: در صورت عدم پذیرش تقاضای کتبی وثیقه گذار توسط بازپرس، مراتب با ذکر علت در پرونده منعکس می شود. تخلف از مقررات این ماده موجب محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالا است.

اگر وثیقه گذار مورد وثیقه را معرفی کرد و در این رابطه اعلام آمادگی نمود، شخص بازپرس باید در صورت کفایت ارزش مورد وثیقه، وثیقه را بپذیرد. عدم پذیرش وثیقه نیازمند دلیل موجه و ذکر آن در پرونده است و باید حتماً در پرونده قید شود تا بازپرس بی جهت موجبات بازداشت متهم را فراهم نکند و حتی خودداری از بیان علت نپذیرفتن وثیقه، تخلف انتظامی بازپرس محسوب شده و موجب محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالا است.

نکته

هیچ مقام قضایی نمی تواند بدون مجوز قانونی از پذیرش وثیقه خودداری کند تا بی جهت موجبات بازداشت شخص متهم فراهم شود.

ماده ۲۲۳ قانون آئین دادرسی کیفری: بازپرس درمورد قبول وثیقه یا کفالت، قرار صادر می نماید و پس از امضاء کفیل یا وثیقه گذار، خود نیز آن را امضاء می کند و با درخواست کفیل یا وثیقه گذار، تصویر قرار را به آنان می دهد.

در مورد قبول قرار وثیقه و قرار کفالت در مواد قبلی بیان کردیم که در این رابطه دو نوع قرار صادر می شود (یعنی دو مرحله دارد). مرحله اول قرار، اخذ کفیل یا تعیین وجه الكفاله می باشد و مرحله دوم قرار، قبول کفالت می باشد در قرار مرحله اول، مرجع تحقیق از متهم می خواهد که ضمن تعهد به حضور در مرجع قضایی، شخصی را به عنوان کفیل برای حاضر کردن خود معرفی کند.

با معرفی کفیل از جانب متهم، شخص کفیل از مقام قضایی می خواهد که تعهد وی را مبنی بر حاضر کردن متهم، قبول کند و در صورت عدم حاضر کردن متهم، وی مبلغی را به عنوان وجه الكفاله که مشخص شده است، پرداخت نماید.

بعد از این، قرار قبولی کفالت صادر می‌شود و **صدور قبولی توسط بازپرس**، بعد از درخواست کتبی کفیل یا وثیقه‌گذار و اعلام آمادگی آن‌ها است.

یعنی اول باید کفیل یا وثیقه‌گذار درخواست دهد و سپس در مرحله بعد، شخص بازپرس با این قرار موافقت کند و پس از امضای برگه قرار، تصویر قرار را به کفیل می‌دهد.

شخص بازپرس مکلف است به وثیقه‌گذار تفهیم کند که **اگر بدون عذر موجه متهم را حاضر نکند، مورد وثیقه طبق مقررات آیین دادرسی کیفری ضبط می‌شود.**

نکته کلیدی و مهم

به یاد داشته باشید برای صدور قرار کفالت، **موافقت متهم لازم نیست** و قرار قبول کفالت یا وثیقه‌گذاری جدا از قرار تأمین کیفری محسوب می‌شود.

به بیان راحت‌تر این قرار نوعی قرارداد قانونی بین بازپرس، کفیل و وثیقه‌گذار محسوب می‌شود که دارای آثار و تبعات قانونی است و الزاماتی را برای آن‌ها ایجاد می‌کند.

ماده ۲۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری: بازپرس مکلف است ضمن صدور قرار قبولی کفالت یا وثیقه، به کفیل یا وثیقه‌گذار تفهیم کند که در صورت احضار متهم و عدم حضور او بدون عذر موجه و عدم معرفی وی از ناحیه کفیل یا وثیقه‌گذار، وجه الکفاله وصول یا وثیقه طبق مقررات این قانون ضبط می‌شود.
تبصره - تفهیم مفاد ماده (۱۹۴) این قانون نسبت به کفیل و وثیقه‌گذار نیز الزامی است.

همان‌طور که بیان کردیم قرار قبولی کفالت یا وثیقه **به منزله یک قراردادی** است بین **کفیل** و **وثیقه‌گذار** (که ممکن است این وثیقه‌گذار، خود متهم باشد) با بازپرس.

ضروری است کفیل و وثیقه‌گذار تعهداتی را که می‌پذیرند به آن‌ها تفهیم شود تا بدانند انجام چه امری را برعهده گرفته‌اند و ضمانت اجرایی آن چیست.

نکته کلیدی و مهم

در مورد تغییر آدرس محل اقامت کفیل و وثیقه‌گذار باید گفت، شرایط این تغییر آدرس باید به آن‌ها تفهیم شود و باید با این اوصاف گفت بازپرس به وثیقه‌گذار تفهیم می‌کند محلی را که برای اقامت خود اعلام می‌کند محل اقامت قانونی وی است و اگر محل اقامت خود را تغییر بدهد، باید محل جدید را به گونه‌ای که ابلاغ ممکن باشد اعلام کند.

در غیر این صورت احضاریه‌ها و سایر اوراق قضایی به محل اقامت قبلی فرستاده می‌شوند.

تغییر محل اقامت به منظور تاخیر و تعلل به گونه‌ای که ابلاغ اوراق دشوار باشد، **پذیرفته نیست** و تمام اوراق در همان محل اعلام شده قبلی، ابلاغ می‌شود.

به یاد داشته باشید

ماده ۲۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری: قرار تأمین باید فوری به متهم ابلاغ و تصویر آن به وی تحویل شود.
در صورتی که قرار تأمین منتهی به بازداشت گردد، مفاد قرار در برگه اعزام درج می‌شود.

نکته مهم و آزمون

اینکه متهم بداند چه نوع قرار تأمینی در مورد وی صادر شده است، یکی از حقوق دفاعی متهم محسوب می‌گردد و باعث می‌شود بتواند برای جلوگیری از بازداشت احتمالی خویش، تدارکات لازم را ببیند **مثلاً برای خویش کفیل یا وثیقه‌گذار پیدا کند**

چون همان‌طور که بیان کردیم مثلاً قرار کفالت بعد از صدور باید در قالب عقد کفالت قرار گیرد (یعنی متهم اختیار تعیین کفیل را دارد)

پس به یاد داشته باشید در قرار کفالت ظاهراً کفیل را شخص متهم معرفی می‌کند و **این امر فقط از باب غلبه است** (یعنی غالباً متهم، شخص کفیل را معرفی می‌کند اما این امر به این معنا نیست که الزاماً کفیل باید توسط متهم معرفی شود)

ماده ۲۲۶ قانون آئین دادرسی کیفری: متهمی که در مورد او قرار کفالت یا وثیقه صادر می شود تا معرفی کفیل یا سپردن وثیقه، به بازداشتگاه معرفی می گردد؛ اما در صورت بازداشت، متهم می تواند تا مدت ده روز از تاریخ ابلاغ قرار بازپرس، نسبت به اصل قرار منتهی به بازداشت یا عدم پذیرش کفیل یا وثیقه اعتراض کند.

تبصره - مرجع صادرکننده قرار و رئیس یا معاون زندان مکلفند تمهیدات لازم را به منظور دسترسی متهم به افرادی که وی برای یافتن کفیل یا وثیقه گذار معرفی می کند، فراهم کنند و هر زمان متهم، کفیل یا وثیقه معرفی نماید هرچند خارج از وقت اداری باشد، در صورت وجود شرایط قانونی، مرجع صادرکننده قرار یا قاضی کشیک مکلف به پذیرش آن هستند.

این ماده قانونی، اقدامات جدید و تدابیر خاصی را برای رفع مشکلات سابق در نظر گرفته است که شامل موارد زیر است:

۱. سابقاً قرار منتهی به بازداشت **قابل اعتراض نبود** اما در این ماده قانونی این امر قابل اعتراض شناخته شده است.
 ۲. قرار کفالت یا وثیقه ای که منجر به بازداشت شود، **قابل اعتراض است**. البته صدور قرار کفالت یا وثیقه، به خودی خود غیر قابل اعتراض می باشد اما **در صورت منتهی شدن آن ها به بازداشت، قابل اعتراض هستند**.
 ۳. اگر دادگاه کیفری «۲» مثلاً قرار وثیقه ای صادر نماید و در نهایت به هر دلیل متهم بازداشت شود، متهم می تواند به این قرار اعتراض کند و مرجع رسیدگی به این اعتراض، **دادگاه تجدیدنظر استان** است.
 ۴. اقدام بازپرس به صدور قرار کفالت یا وثیقه، به خودی خود قابل اعتراض نیست اما بازداشت ناشی از این دو قرار قابلیت اعتراض را ایجاد می کند؛ در این حال، متهم حق اعتراض به دو تصمیم را پیدا می کند **(یکی اعتراض به اصل صدور قرار و دیگری اعتراض به عدم پذیرش کفیل یا وثیقه ای که معرفی کرده است)**
- پس با توجه به اینکه وی می تواند به این دو تصمیم اعتراض کند و این اعتراض هم مهلت دو روزه دارد، باید به قاطعیت گفت که مهلت مذکور، از تاریخ اتخاذ هر یک از دو تصمیم یاد شده آغاز می شود.

نکته مهم

رئیس و معاون زندان در قانون سابق تکلیفی جهت همکاری با شخص بازداشتی نداشته اند که در این ماده قانونی به این امر تصریح شده است و تکلیفی برای آن ها در نظر گرفته شده است و از همه مهم تر، پذیرش کفیل یا وثیقه حتی خارج از وقت اداری می باشد که امکان این امر فراهم شده است.

توجه داشته باشید

معرفی کفیل یا وثیقه خارج از وقت اداری که در تبصره این ماده به آن اشاره شده است، مشکلات عملی قابل توجهی را از نظر دسترسی به پرونده متهم برای قاضی کشیک ایجاد می کند و به نظر می رسد که در این موارد قاضی کشیک می تواند از راهکار پیش بینی شده در ماده ۱۸۶ این قانون استفاده کند.

جمع بندی بحث در قالب یک مثال

مثلاً فرض کنید علی جرمی را انجام داده است و ضرر و زیان وارده آن جرم ۱۰۰ میلیون تومان می باشد و در خصوص وی، قرار وثیقه ای به همان میزان صادر می شود، اما علی آقانی نمی تواند میزان وثیقه را تودیع نماید.

در این رابطه باید شخص متهم با همان تأمین در زندان بماند تا وقتی که وثیقه معرفی گردد.

به بیان دیگر باید گفت متهمی که درباره وی قرار وثیقه صادر شود اگر نتواند وثیقه معرفی کند به زندان معرفی می شود و این بازداشت که به جهت عجز از تودیع وثیقه رخ داده است، **قابل اعتراض می باشد**.

ماده ۲۲۷ قانون آئین دادرسی کیفری: مراتب تحویل متهم توسط مأمور رسمی در سوابق بازداشتگاه ثبت و تحویل دهنده، رسیدی حاوی تاریخ و ساعت تحویل متهم أخذ و به بازپرس تسلیم می کند.

این کنترل و نظارت که در این ماده بیان شده است به منظور جلوگیری از تخلفات احتمالی و ضرورت وقایع نگاری و مستندسازی پرونده کیفری می باشد.

ماده ۲۲۸ قانون آئین دادرسی کیفری: کفیل یا وثیقه گذار در هر مرحله از تحقیقات و دادرسی با معرفی و تحویل متهم می تواند، حسب مورد، رفع مسئولیت یا آزادی وثیقه خود را از مرجعی که پرونده در آنجا مطرح است درخواست کند. مرجع مزبور مکلف است بلافاصله مراتب رفع مسئولیت یا آزادی وثیقه را فراهم نماید. تبصره - در مواردی که متهم به علت دیگری از سوی سایر مراجع بازداشت باشد نیز، کفیل یا وثیقه گذار می تواند اعزام وی را درخواست نماید. در این صورت پس از حضور متهم مطابق این ماده اقدام می شود.

به یاد داشته باشید شخص کفیل می تواند از مرجعی که پرونده در آنجا مطرح است، در هر مرحله از دادرسی رفع مسئولیت خود را با معرفی و تحویل متهم تقاضا کند.

دقت کنید

شخص کفیل در هر مرحله از دادرسی می تواند شخص متهم را تحویل بدهد و لازم نیست این تقاضا به همان مرجع صادرکننده قرار تسلیم شود.

به عبارت دیگر اگر قرار کفالت در مرحله تحقیقات در دادسرا صادر شده باشد و پس از انجام مرحله تحقیقات در دادسرا پرونده برای رسیدگی به دادگاه فرستاده شده باشد و پرونده در دادگاه مطرح باشد، کفیل می تواند با معرفی و تحویل متهم از دادگاه، تقاضای رفع مسئولیت خود را بخواهد.

همچنین اگر پرونده در دادگاه تجدیدنظر جهت رسیدگی مجدد در حال رسیدگی باشد، شخص کفیل در هر مرحله از دادرسی و در هر مقطعی می تواند تقاضای رفع مسئولیت خود را با معرفی و تحویل متهم، در دادگاه تجدیدنظر مطرح نماید و مراجع مذکور مکلفند بلافاصله مراتب رفع مسئولیت را فراهم کنند.

ماده ۲۲۹ قانون آئین دادرسی کیفری: خواستن متهم از کفیل یا وثیقه گذار جز در موردی که حضور متهم برای تحقیقات، دادرسی و یا اجرای حکم ضرورت دارد، ممنوع است. تبصره - تخلف از مقررات این ماده موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

نکته آزمونی کارشناسی ارشد
سال ۱۳۹۳

در صورتی که وثیقه گذار در مرحله تجدیدنظر یا در هر مرحله از دادرسی درخواست آزادی وثیقه خود را بدهد اما نتواند شخص متهم را معرفی کند یا تحویل مرجع قضایی بدهد، نمی تواند تقاضای جلب متهم را از مقام قضایی بخواهد. پس شخص وثیقه گذار تحت هیچ شرایطی نمی تواند این تقاضا را از مقام قضایی نماید و بیان کند که چون من کفیل وی شدم و حال نمی توانم دسترسی به وی داشته باشم، پس از مقام قضایی درخواست جلب وی را دارم (این امکان پذیر نیست)

ماده ۲۳۰ قانون آئین دادرسی کیفری: متهمی که برای او قرار تأمین صادر و خود ملتزم شده یا وثیقه گذاشته است، در صورتی که حضورش لازم باشد، احضار می شود و هرگاه ثابت شود بدون عذر موجه حاضر نشده است، در صورت ابلاغ واقعی اخطاریه، وجه التزام تعیین شده به دستور دادستان أخذ و یا از وثیقه سپرده شده معادل وجه قرار ضبط می شود. چنانچه متهم، کفیل معرفی کرده یا شخص دیگری برای او وثیقه سپرده باشد به کفیل یا وثیقه گذار اخطار می شود که ظرف یک ماه متهم را تحویل دهد. در صورت ابلاغ واقعی اخطاریه و عدم تحویل متهم، به دستور دادستان، حسب مورد، وجه الکفاله أخذ و یا از وثیقه، معادل وجه قرار، ضبط می شود. دستور دادستان پس از قطعیت، بدون صدور اجرائیه در اجرای احکام کیفری و مطابق مقررات اجرای احکام مدنی اجراء می شود. تبصره - مبلغ مازاد بر وجه قرار وثیقه، پس از کسر هزینه های ضروری مربوط به اجرای دستور، به وثیقه گذار مسترد می شود.

در این ماده، قانون گذار ضمانت اجرای عدم حضور متهم و عدم حاضر کردن وی از سوی کفیل یا وثیقه گذار را معین کرده است که این ضمانت اجرا، ضبط و اخذ وثیقه یا وجه التزام می باشد.

اما باید توجه داشت که قانونگذار بین حالتی که خود متهم وجه التزام یا وثیقه داده است و حالتی که دیگری وثیقه سپرده یا کفیل متهم شده است، تفکیک قائل شده که در توضیحات ذیل این ماده به بررسی و تشریح تفاوت های این دو حالت می پردازیم.

توجه داشته باشید

شخص متهمی که در اثر صدور قرار تأمین، ملتزم شده یا وثیقه تودیع کرده است (یا ابلاغ قانونی یا واقعی احضاریه) ملزم به حضور است و باید در زمانی که از متهم خواسته شده، حاضر شود.

پس به یاد داشته باشید در این رابطه فرقی بین ابلاغ قانونی و ابلاغ واقعی وجود ندارد و متهم در هر حال باید حاضر شود. اما در راستای ابلاغ احضاریه به صورت قانونی یا واقعی یک تفاوت وجود دارد که در پاراگراف زیر ذکر شده است.

خیلی دقت کنید

طبق این ماده به کار انداختن ضمانت اجرای این قرارها به صورت دستور پرداخت وجه یا ضبط وثیقه، مشروط به این است که ابلاغ احضاریه یا اختاریه به صورت ابلاغ واقعی انجام شده باشد و مثلاً ابلاغ به وکیل وی از مصادیق ابلاغ واقعی محسوب می شود.

فرض این ماده در صورت ابلاغ واقعی اختاریه است که بیان کرده است که اگر متهم احضار شود و بدون عذر موجه حاضر نشود و خودش را معرفی نکند وجه التزام تعیین شده نهایتاً به دستور دادستان اخذ می شود یا از وثیقه سپرده شده معادل وجه قرار ضبط می شود.

سوال

شاید بپرسید منظور از دستور ضبط وثیقه چیست؟

جواب

منظور از ضبط وثیقه این است که پس از صدور دستور ضبط، ملک مورد وثیقه به فروش می رسد و وجه حاصل از آن صرفاً به صندوق دولت واریز می شود و مابقی آن علاوه بر مبلغ تعیین شده وثیقه، به وثیقه گذار مسترد می شود.

نکته کنکوری وکالت سال ۱۳۹۱ و کارشناسی ارشد سال ۱۳۸۹

دستور ضبط وثیقه و وجه الکفاله هم با توجه به مقررات منع بازداشت اشخاص در قبال تخلف از انجام تعهدات و الزامات بر عهده دادستان است.

به بیان دیگر در حال حاضر اخذ وجه التزام، وثیقه و وجه الکفاله و ضبط آن ها از اختیارات دادستان محسوب می شود و رسیدگی به اعتراض نسبت به دستور ضبط وثیقه در صلاحیت دادگاه کیفری دو قرار دارد.

به نکاتی که در قالب نکات کنکوری آورده می شوند خیلی دقت کنید. این نکات در ادوار پیشین و آزمون های اخیر مورد توجه طراحان سوال قرار گرفته است و انتظار می رود تمامی این نکات را همیشه در خاطر داشته باشید.

نکته آزمونی وکالت سال ۱۳۸۷

اگر پس از صدور دستور قضایی مبنی بر اخذ وجه الکفاله یا ضبط وثیقه، متهم دستگیر شود، وجه الکفاله یا وثیقه **مسترد نمی‌شود**. مثلاً بعد از اینکه ملک مورد وثیقه به فروش رسید و وجه آن به صندوق دولت واریز گردید و سپس متهم دستگیر شد، در این صورت وجه الکفاله یا مبلغ وثیقه‌ای که پرداخت شده است، **مسترد نمی‌شود**.

بررسی نکات مهم و آزمونی قسمت پایانی این ماده

دستور دادستان مبنی بر ضبط وجه التزام یا وجه الکفاله قطعی می‌باشد و بدون صدور اجرائیه در اجرای احکام کیفری و طبق مقررات اجرای احکام مدنی اجرا می‌شود و برابر با مقررات ماده ۵۳۷ این قانون صرفاً طبق دستور دادستان، پس از انقضای مهلت قانونی وجه التزام یا وجه الکفاله یا وثیقه معادل وجه قرار از طریق معاونت اجرای احکام مدنی ضبط می‌شود.

رای وحدت رویه مهم آزمونی

طبق رأی وحدت رویه شماره ۶۵۷ مورخ ۱۳۸۰/۱۲/۱۴ در صورت احضار متهم و عدم حضور او بدون عذر موجه یا عدم معرفی او از ناحیه کفیل یا وثیقه‌گذار، **نامبردگان مکلف به اجرای متعهد می‌باشند** و نسبت به وصول وجه التزام، وجه الکفاله یا ضبط وثیقه اقدام می‌شود.

خیلی دقت کنید

ضبط موارد مذکور به دلیل تخلف متهم از حضور و تخلف کفیل یا وثیقه‌گذار برای حاضر نمودن متهم و عدم اجرای تعهد آن‌هاست و حتی در صورت تبرئه متهم از اتهام خود، وجه الکفاله یا وثیقه ضبط شده، **مسترد نمی‌شود**.

جمع بندی کلی بحث

اگر مثلاً علی آقا به اتهام تخریب، تحت تعقیب بوده و با صدور قرار کفالت یا قرار وثیقه به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان آزاد باشد و دادگاه حضور وی را لازم بداند و اعلام نماید مثلاً باید هفته بعد علی آقا برای رسیدگی در دادگاه حاضر شود اما وی در موعد مقرر نزد مرجع قضایی حاضر نشود، در این صورت به کفیل اخطار داده می‌شود که ظرف **سی روز** علی را حاضر کند.

پس در خصوص ضبط وثیقه یا ضبط وجه الکفاله باید بدانید که ضبط وثیقه منوط به احضار متهم و عدم حضور او پس از اخطار به وثیقه‌گذار و سپری شدن مهلت مقرر است.

یعنی باید یک ماه از تاریخ ابلاغ واقعی بگذرد و وی **ظرف مدت سی روز** موظف می‌باشد که مکفول را احضار و تسلیم کند، در غیر این صورت وثیقه ضبط می‌شود.

پس در کلام پایانی در خاطر داشته باشید اگر شخص کفیل هیچ مالی از اعم از منقول یا غیرمنقول برای تأمین وجه الکفاله نداشته باشد، بازداشت او غیرموجه می‌باشد. یعنی نمی‌توانیم شخص کفیل را به این علت که نتوانسته علی را (مکفول) در موعد مقرر حاضر نماید، بازداشت کنیم. **پس فراموش نکنید برای وصول وجه الکفاله بازداشت کفیل ممنوع است**.

اگر در اثر تخلف کفیل، وجه الکفاله اخذ شود و به نفع دولت ضبط گردد، در این صورت تأمین جدید گرفته می‌شود. به بیان دیگر هرگاه به علت تخلف متهم یا تخلف کفیل وجه التزام قبل از صدور حکم به نفع دولت اخذ شود، قرار تأمین قبلی منتهی شده و باید از متهم تأمین جدید متناسب اخذ شود.

ماده ۲۳۱ قانون آئین دادرسی کیفری: هرگاه ثابت شود که متهم، کفیل یا وثیقه‌گذار به منظور عدم امکان ابلاغ واقعی اختاریه، نشانی محل اقامت واقعی یا تغییر آن را به مرجع قبول‌کننده کفالت یا وثیقه اعلام نکرده یا به این منظور از محل خارج شده یا به هر نحو دیگر به این منظور امکان ابلاغ واقعی را دشوار کرده است و این امر از نظر بازپرس محرز شود، ابلاغ قانونی اختاریه برای ضبط وثیقه، اخذ وجه‌الکفاله و یا وجه‌التزام کافی است.

توجه داشته باشید

همانطور که در ماده ۲۳۰ این قانون بیان کردیم، برای ضبط وثیقه و اخذ وجه‌الکفاله باید ابلاغ واقعی اختاریه و اوراق قضایی انجام شود. سپس در طی مراحل دیگر، وثیقه ضبط می‌شود و ماجرا ادامه پیدا می‌کند. اما گاهی اوقات متهم، کفیل یا وثیقه‌گذار به منظور عدم امکان ابلاغ واقعی اختاریه کاری می‌کند که امکان ابلاغ واقعی دشوار و غیرممکن شود تا اوراق قضایی و اختاریه به آن‌ها **ابلاغ واقعی نشود** و قانون نتواند وثیقه را ضبط کند.

این ماده در این مورد بیان داشته اگر کفیل یا وثیقه‌گذار به منظور غیر ممکن کردن ابلاغ واقعی اختاریه کاری کند که نتوان اختاریه به وی ابلاغ واقعی شود، اخذ وجه‌الکفاله یا وجه‌التزام با همان ابلاغ قانونی ممکن است. پس اگر کفیل به منظور عدم امکان ابلاغ واقعی اختاریه از محل خارج شود یا اینکه به هر طریق دیگری کاری کند که ابلاغ واقعی میسر نشود و خود را نشان ندهد، در صورت محرز بودن این امر برای بازپرس و اثبات این قضیه **ابلاغ قانونی اختاریه برای ضبط وثیقه و اخذ وجه‌الکفاله کافی است.**

ماده ۲۳۲ قانون آئین دادرسی کیفری: دیه با رعایت مقررات مربوط و ضرر و زیان محکوم‌له، در صورتی از مبلغ وثیقه یا وجه‌الکفاله کسر می‌شود که امکان وصول آن از بیمه میسر نباشد و محکوم‌علیه حاضر نشود و وثیقه‌گذار یا کفیل هم، وی را طبق مقررات حاضر ننموده و عذر موجهی هم نداشته باشد.

دقت داشته باشید

این ماده و ماده بعدی در مورد جبران خسارت مدعی خصوصی از محل قرار تأمین می‌باشد. حکم این ماده در حالتی است که شخص ثالثی از متهم ضمانت کرده است و مثلاً برای آنها وثیقه گذاشته است که این ماده بیان داشته با چه شرایطی ضرر و زیان وارده برای محکوم‌له از مورد وثیقه یا وجه‌الکفاله اخذ می‌شود.

توجه داشته باشید در حقیقت اخذ وثیقه یا وجه‌الکفاله تضمین خوبی برای گرفتن ضرر و زیان محکوم‌له با دیه مورد حکم است. البته این امر مشروط به سه شرط زیر است:

۳. امکان وصول خسارت و دیه از بیمه میسر نباشد

۲. وثیقه‌گذار و کفیل بدون عذر موجه وی را حاضر نکرده باشند

۱. محکوم‌علیه بدون عذر موجه حاضر نشده باشد

در جمع بندی کلی باید در خاطر داشته باشید اصولاً پرداخت خسارت برعهده واردکننده خسارت است و هر کسی که خسارتی به شخص دیگری می‌زند باید آن را جبران کند و اخذ وجه‌الکفاله یا ضبط وثیقه از شخص ثالث در این ماده از جهت تخلف کفیل یا وثیقه‌گذار از حاضر کردن متهم است. پس بعد از صدور حکم قطعی دادگاه مبنی بر پرداخت دیه یا ضرر و زیان به مدعی خصوصی، محکوم‌علیه باید از عهده پرداخت آنچه که به آن محکوم شده است برآید و خسارتی را که وارد کرده است جبران کند.

تا اینجا باید فهمیده باشید، فلسفه گرفتن وجه‌الکفاله یا وثیقه این است که اگر شخص کفیل یا وثیقه‌گذار از حاضر کردن متهم عاجز بودند و نتوانستند وی را در موعد مقرر حاضر کنند، آن زمان باید وجه‌الکفاله یا وثیقه برداشت شود؛ اما اگر وثیقه‌گذار یا کفیل، شخص متهم را در موعد مقرر حاضر کرد و دادگاه حکم قطعی مبنی بر پرداخت دیه یا ضرر و زیان مدعی خصوصی داد، در نهایت خود شخص محکوم‌علیه باید از عهده پرداخت آنچه که به آن محکوم شده برآید و خود باید دیه یا ضرر و زیان مدعی خصوصی را پرداخت کند، نه کفیل یا وثیقه‌گذار.

X

ماده ۲۳۳ قانون آئین دادرسی کیفری: چنانچه قرار تأمین صادر شده، متضمن تأدیه وجه التزام باشد یا متهم خود ایداع وثیقه کرده باشد، در صورت عدم حضور محکوم‌علیه و عدم امکان وصول آن از بیمه، علاوه بر اخذ دیه و ضرر و زیان محکوم‌له از محل تأمین، جزای نقدی نیز در صورت محکومیت وصول می‌شود و در مورد قرار وثیقه، در صورت حضور و عجز از پرداخت، محکومیت‌های فوق، با لحاظ مستثنیات دین از محل تأمین اخذ می‌شود.

حکم ماده قبل در فرضی بود که شخص ثالثی، شخص متهمی را ضمانت کرده باشد، اما در فرضی که ضمانت شخص ثالثی در میان نباشد و مال موضوع قرار متعلق به خود متهم باشد، فرض این ماده حاکم است.

به یاد داشته باشید

اگر خود متهم برای خویش وثیقه گذاشته باشد و در موعد مقرر که مقام قضایی وی را احضار می‌کند، حاضر نشود و وی محکوم به پرداخت خسارت شود، علاوه بر اخذ دیه و جبران ضرر و زیان محکوم‌له از محل وثیقه، جزای نقدی هم از مورد وثیقه وصول می‌شود و مبلغی که از میزان وثیقه سپرده شده باقی می‌ماند، به نفع دولت ضبط می‌شود.

بررسی مستثنیات دین در قسمت پایانی این ماده

در قسمت پایانی ماده اشاره‌ای به مستثنیات دین شده است. باید بدانید که مستثنیات دین طبق ماده ۲۴ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴/۳/۲۳ می‌باشد. مستثنات دین طبق این قانون جدید التصویب عبارت است از:

۱. منزل مسکونی که عرفاً در شأن و شخصیت محکوم‌علیه باشد.
۲. اثاثیه مورد نیاز زندگی
۳. آذوقه موجود در منزل به قدر احتیاج
۴. کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل علم و تحقیق
۵. وسایل و ابزار کار کسبه و پیشه‌وران و کشاورزان
۶. تلفن موردنیاز مدیون
۷. مبلغی که در ضمن عقد اجاره به مؤجر پرداخت می‌شود (البته مشروط بر این‌که پرداخت اجاره‌بها بدون آن موجب عسر و حرج شود و عین مستأجره مورد نیاز مدیون بوده و بالاتر از شأن وی نباشد)

ماده ۲۳۴ قانون آئین دادرسی کیفری: در صورت فوت کفیل یا وثیقه‌گذار، قرار قبولی کفالت یا وثیقه منتفی است و متهم حسب مورد، باید نسبت به معرفی کفیل یا ایداع وثیقه جدید اقدام کند، مگر آنکه دستور اخذ وجه‌الکفاله یا ضبط وثیقه صادر شده باشد.

باید توجه داشت حکم این ماده یکی از نوآوری‌های قانون‌گذار است که در قانون سابق پیش‌بینی نشده بود.

طبق این ماده باید به زمان فوت کفیل یا وثیقه‌گذار توجه داشته باشید و **بین این دو فرض تفاوت قائل شده:**

فرض دوم: اگر کفیل یا وثیقه‌گذار **پس از** گذشت مهلت یک ماهه از ابلاغ واقعی اختاریه و تخلف از تعهدی که شخص کفیل یا وثیقه‌گذار کرده است فوت کند، دستور اخذ وجه‌الکفاله و ضبط وثیقه از طرف دادستان صادر می‌شود که در این فرض باید حکم ماده ۲۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری اجرا شود. توجه داشته باشید در این فرض فوت کفیل و وثیقه‌گذار تأثیری در این رابطه ندارد.

فرض اول: فوت کفیل یا وثیقه‌گذار **قبل از** صدور دستور اخذ وجه‌الکفاله یا ضبط وثیقه باشد، که در این صورت چون کفالت و وثیقه قائم به شخص بوده و با فوت متعهد منتفی می‌شود، به ورثه منتقل نمی‌شود. پس در این فرض در صورت فوت کفیل قبل از اشتغال ذمه وی، قرار قبولی کفالت منتفی می‌شود و متهم باید نسبت به معرفی کفیل جدید اقدام کند.

جمع بندی کلی

اگر اخطار یک ماهه برای حاضر کردن متهم به کفیل یا وثیقه‌گذار **ابلاغ واقعی** باشد و آن‌ها بدون عذر موجه از حاضر کردن متهم ظرف این مدت خودداری کنند حتی با فوت کفیل یا وثیقه‌گذار باز هم مسئولیت دارند. یعنی اگر بخواهیم به طور کلی بگوییم باید گفت، اگر این اشخاص بدون عذر موجه از حاضر کردن متهم ظرف مهلت مقرر قانونی تخلف کنند و بعد از آن فوت کنند، فوت آن‌ها نباید تأثیری در اجرای تعهد که ماهیتاً یک تعهد مالی است داشته باشند و تعهد مذکور به وراثت منتقل می‌شود. در نتیجه ورثه مکلف به پرداخت وجه‌الکفاله مانند سایر دیون و تعهدات مالی متوفی هستند. در پایان لازم به ذکر است، باید به تاریخ فوت و تاریخ دستور اخذ وجه‌الکفاله یا ضبط وثیقه خیلی دقت کنید.

توجه داشته باشید

این اثر کامل ترین و جامع ترین منبع جهت آماده سازی داوطلبان

آزمون های حقوقی علی الخصوص آزمون وکالت می باشد.

این کتاب حدوداً **۴۰۰ صفحه** می باشد و تمامی مواد

قانون آیین دادرسی کیفری به صورت روان و کامل تشریح شده است و

داوطلب را به طور کامل از مطالعه دیگر کتب بی نیاز می کند

مطالب این کتاب چکیده ده عنوان کتاب اصلی و معتبر است

این فقط بخشی از این کتاب تک جلدی بود

**با خرید این کتاب (حدوداً ۴۰۰ صفحه ای) مطمئن باشید
به هیچ کتاب و منبع دیگری نیاز نخواهید داشت و کسب
رتبه تک رتبه بسیار آسان است**

ما این ادعا را ثابت کرده ایم. کلیک کنید خودتان ببینید

جهت تهیه این کتاب به همراه فایل صوتی تدریس با موسسه قانون یار تماس حاصل فرمایید

۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹ — ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۲۶

سی دی های تدریس صوتی دروس حقوقی و کارگاه های قانون خوانی های
موسسه قانون یار را از ما بخواهید (سبک آموزشی نوینی در جامعه حقوقی کشور)

با مطالعه دیگر کتب نموداری و صوتی موسسه قانون یار

به همین سبک دیگر هیچ نیازی به خرید منبع مکمل دیگری ندارید

شماره تماس های مدیران فروش قانون یار

۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ — ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۴۵

پشتیبانی ۲۴ ساعته آنلاین در واتس آپ

و ثبت سفارش از طریق واتس آپ ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

مهمترین منابع و مأخذ استفاده شده جهت تألیف این کتاب

کتاب نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری (به عنوان منبع اصلی)...دکتر علی خالقی

کتاب قانون آیین دادرسی کیفری.....دکتر علی خالقی

دوره ۲ جلدی حقوق یار آیین دادرسی مدنی.....بهنام اسدی

دوره ۴ جلدی حقوق یار مدنی.....بهنام اسدی

دوره ۵ جلدی قانون آیین دادرسی کیفری.....دکتر محمود آخوندی

دوره ۲ جلدی قانون آیین دادرسی کیفری.....دکتر محمد آشوری

دوره ۲ جلدی قانون آیین دادرسی کیفری.....دکتر اسماعیل ساولانی

کلیات قانون آیین دادرسی کیفری.....دکتر رجب گلدوست جویباری

کتاب محشای قانون مجازات اسلامی.....دکتر ایرج گلدوزیان

کتاب قانون آیین دادرسی کیفری در نظم حقوقی نوین.....دکتر عباس حق پناهان

کتاب قانون آیین دادرسی کیفری.....دکتر جلال الدین مدنی

کتاب مجموعه تست های قانون آیین دادرسی کیفری.....دکتر حمیدرضا کلانتری